

جستاری در وجوه

خود قرآن کریم به این زیبایی و فصاحت خودش چقدر می‌نازد و راجع به تأثیر آیات قرآن، در خود قرآن چقدر بحث شده است.

این تأثیر، مربوط به اسلوب و بیان قرآن یعنی فصاحت و زیبایی آن است:

«الله نزل احسن الحديث كتاباً متشابهاً مثاني تقشعر منه جلود الذين يخشون ربهم...» (۳ و ۴). این حقیقتی را که وجود داشته و دارد، قرآن بیان می‌کند. از دیدگاه قرآن نیکوترین، زیباترین و ماندگارترین سخنان، کتاب و سخنی است که وحی الهی است و از حقیقت ازلی منشأ می‌یابد. هر انسانی زمانی که این سخن را می‌خواند یا می‌شنود به لرزه درمی‌آید و جان و دلش مرتعش می‌شود.

این تأثیر بیش از همه در خود پیامبر دیده می‌شود. عبدالله بن مسعود گوید یک وقت پیغمبر اکرم به من فرمود که مصحف را باز کن و برای من بخوان، من مصحف خود را آوردم از اول سوره نساء شروع کردم به خواندن، پیغمبر اکرم (ص) گوش می‌کرد تا رسیدم به این آیه که می‌فرماید: فکیف اذا جئنا من کل امه شهید و جننا بک علی هولاء شهیدا تا این را خواندم دیدم که چشمهای مبارک پیغمبر (ص) پر از اشک شد و فرمود حسبک هذا. (۵)

تأثیر بیانی قرآن چنان شگفت‌انگیز است که منکران و مخالفان آن نیز، آیات را از جنس خاص و سحرآمیز (غیر بشری می‌دانستند). ولید بن مغیره مخزومی از روسای قریش و عموی ابوجهل که از بزرگان علم و اندیشه آنان نیز بود و در سوره زخرف آیه ۳۱ از او با تعبیر (لوانزل هذا القرآن الی رجل من القریتین عظیم) یاد شده، پس از استماع سخنان الهی و آیات قرآن می‌گوید:

فقال ان هذا الا سحر یوثر (۶)

سخن آخر آن است که تناسب شگفت میان لفظ و معنی در قرآن توانست، از این اثر، جاودانگی، اعجاز و ماندگاری بی‌پایان و بی‌انتهای را پدیدار ساخته و مؤانست و مناسبتی اسرارآمیز با انسان‌ها شکل بخشد.

۱- اعجاز بیان

و قراناً فرقهانه لنقرهه علی الناس علی مکث و نزلناه تنزیلاً (۷). اندیشمندان دو وجه در اعجاز قرآن برشمرده‌اند: اعجاز در لفظ، اعجاز در معنا، اعجاز نخست را از جنبه هنر و زیبایی و اعجاز دوم را از جنبه علمی و فکری مورد پژوهش قرار داده‌اند. پیش از ورود در آیات مربوط در وجه اول، ضروری است تأملی در سخن الهی داشته باشیم.

برخی چون اشاعره زیبایی سخن خداوند را از این سبب دانستند که کلام خدا را عبارت از معنایی قائم به ذات حق برشمرده و آن را (کلام نفسی) نامیده‌اند.

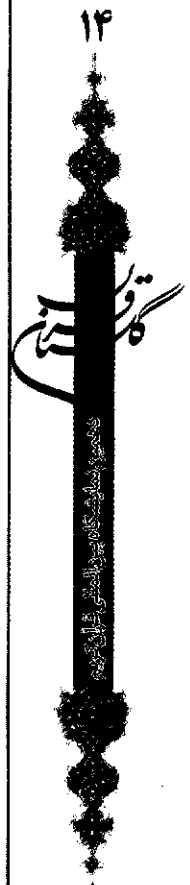
از دوره نخست نزول قرآن تاکنون تأملات و پژوهش‌های متعددی در تبیین اعجاز سخن وحیانی قرآن صورت پذیرفت که جملگی بر متمایز بودن و استثنائی بودن آیات الهی تأکید ورزیدند. گرچه برغم تتبعات بسیار در این حوزه، دانش زبان شناسی پدیدار نگشت اما مرحله اول دانش تفسیر عهده‌دار همین مهم بود بدین سبب که مرحله دوم فهم آیات را تفسیر معنوی یا فهم باطن قرآن برشمرده و معتقد گردیدند که در دریافت مفهوم آیات دو رتبه یکی رتبه دریافت مراد زبانی و دوم دریافت قصد معنا است.

از سوی دیگر قرآن به سبب دارا بودن ویژگی‌ها و خصوصاتی که موجب استحکام و استواری نظم و ترتیب و حسن تألیف است، به عنوان کتابی شگفت‌انگیز و در عین حال فصیح‌ترین و پر مغزترین اثر ماندگار دینی است. از امور شگفت‌انگیز آنکه تأمل در سیاق و ژرف آیات قرآن موجب حیرت انسان شده و به نحوی آشکار در می‌یابد که الفاظ و عبارات که در کسوت واژگان عرب درآمده در سیاق و ترتیب تابع معانی است. هرگاه این کشمکش فکری و تأمل نظری انسان در قرآن صورت پذیرد، ماندگاری و اعجاز قرآن و منقاد بودن الفاظ از معانی را به روشنی دریافت خواهد کرد. ترابط شگفت لغت و معنا در آیات قرآن شبیه تجاذب بین دو روحی است که تناسب تام با یکدیگر دارند. قرآن کریم آشکارا جنبه اعجاز در بیان و معنی خود را در آیاتی چند بیان نموده است. (۱) در آیات الهی قدرت معنایی و تناسبی قرآن به سبب پیوند این اثر شگفت با جهان ملکوت (جهان قدرت) است «و ما ینتطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی، علمه شدید القوی» (۲). قرآن را وجودی که شدیدالوجود و قوی در هستی است به پیامبر اکرم (ص) آموزانید. توأم بودن علم و قدرت در این آیات و آیات ۲۰ و ۲۱ سوره تکویر نشان از ازلی و ماندگاری سخن وحی دارد.

این وصف از صفات و در تعبیر دقیق‌تر اسماء الهی‌اند که عین ذات اویند. ترکیب دانایی و توانایی طرب‌انگیزترین و نفوذترین سخن را مودعی می‌گردد، که از آن تعبیر به فصاحت و بلاغت کلام می‌کنند این دو وصف سبب بیان حقایق با زیبایی خارق‌العاده می‌گردد. از اینرو است که در آیات ۱۰۹-۱۰۷ اسراء خداوند، زیبایی بیان آیات را سبب تأثیر شگفت‌انگیز کلمات در قلوب و دل‌های آدمیان برمی‌شمارد.

شهید مطهری در «حماسه حسینی» می‌گوید قرآن دارای دو ویژگی است: یکی خصوصیت حقانیت و دیگر ویژگی زیبایی.

قرآن نیمی از موفقیت خودش را از این راه دارد که از مقوله زیبایی است از مقوله هنر است قرآن فصاحتی دارد فوق حد بشر و نفوذ خود را مرهون زیبایی‌اش است. فصاحت و زیبایی سخن، خودش بهترین وسیله است برای اینکه سخن بتواند محتوای خودش را به دیگران برساند و



زیبایی و هنری قرآن

دکتر قاسم پور حسن

به ساختار و اسلوب این نوع سخن در زبان انسانی و مقایسه آن با سخن وحیانی قرآنی پرداخته و می‌گوید:

فصحای عرب در تشدید مبانی فصاحت و دوری جستن از عواملی که باعث سستی و اضطراب و حشو سخن می‌گردد کوشش‌ها کرده‌اند و بهترین اسلوب را به کمک صنایع بدیعی و طرق بیانی ایجاد نموده و دقائق فنی را به کامل‌ترین وجه در آن بکار برده‌اند.

اما اسلوب و ساختار بیان قرآن دارای سهولت و انسجام معنایی و زبانی شگفتی است، که این خود یکی از اسرار آفرینش می‌باشد و کمتر کسی به اسرار آن پی برده است و از اینجا عظمت و هیبت سخن و بیان اعجاز گون قرآن نمودار می‌شود. (۱۲)

بهره بردن آدمیان از دقائق فنی، ادبی و آراسته‌های بلیغی همچون فخر، مدح، هجو، مرثیه، غزل و توصیف‌های زیبایی‌های طبیعت با استفاده از کنایه، استعاره، تمثیل و تشبیه سبب نیرومندی سخن می‌گردد. برخی معتقدند قرآن از این ظرایف ادبی بهره در صورت برده و گوهر و جان سخن را بر معنا استوار ساخته است. اما استاد مطهری برخلاف آن می‌اندیشد و بر این باور است قرآن موضوعاتی را که طرح نموده، تماماً معنوی است توحید و معاد و اخلاق و مواضع قصص است اما در عین حال، در حدّ اعلاّی زیبایی است. (۱۳)

۲- تأثیر زبانی

وَأذِمْوَالَّذِينَ نَزَّلَ إِلَيْهِ الرُّسُولَ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ (۱۴).

و چون آیاتی را که به پیامبر فرستاده شده است بشنوند، می‌بینی که اشک از دیدگانشان جاری می‌شود، زیرا حقایق آن را شناخته‌اند.

شهید مطهری پس از بیان دو خصوصیت قرآن نیمی از موفقیت خود را از جنبه زیبایی دارد از این

حیث که واجد هنر بیان شگفت است. قرآن فصاحتی دارد فوق حد بشر و نفوذ خود را مرهون زیبایی اش. فصاحت و زیبایی سخن، خود بهترین وسیله در ابلاغ محتوی است. خود قرآن نیز در بیان اسباب تأثیر گذاری آیات بر انسان‌ها، اسلوب قرآن را اسلوبی زیبا و استوار بر فصاحت بر شمرده و می‌فرماید:

اللّٰهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودَ الَّذِينَ

معتزله کلام را عبارت از خلق اصوات و حروف به بیانی شگفت و اعجازگون که مشتمل بر معانی و مفاهیمی که از جانب خداوند بر انسان‌ها افتاد شد برشمردند.

اما حقیقت کلام عبارتست از بیان ما فی الضمیر و اظهار آنچه که در غیب حقیقت وجود مکنون است لذا کلام الهی و سخنان وحی در قرآن عبارتست از انشاء کلمات وجودیه تام کامل. خواه انشاء این کلمات و انزال این بیان در کسوت وجود نورانی و یا در کسوت وجود مادی جسمانی و در لباس الفاظ و عبارات باشد. امام الموحّدین علی (ع) در باب کلام الهی که به معنی ایجاد و انشاء است و معرب و مشعر از وجود واجب و غیب مکنون اند می‌فرماید: انما یقول لما اراد کونه کن فیکون لا بصوت یقر و لا بنداء یسمع و انما کلامه فعله.

صدرالدین شیرازی در شواهد الربوبیه، مشهر اول، کلام را بدو اعتبار هم قرآن و هم فرمان برمی‌شمارد. به اعتبار وجود در حضرت علمیه ازلیه قرآن است و به اعتبار نزول در کسوت الفاظ و عبارات و تقطیع به حروف و کلمات فرقان است حقیقت قرآن و فرقان هر دو از عالم امرند که محل حقیقی شان در قلوب و صدور اهل علم اشراق الهی است. (۸) ابوالحسن علی بن عیسی الرمانی اعجاز قرآن را از جهت بیان و بلاغت قرآن می‌داند و برای بیان بلاغی سه مرتبه برمی‌شمارد. او بیان بلاغی عالی را معجزه تلقی کرده و گوید که این بلاغت عالی،

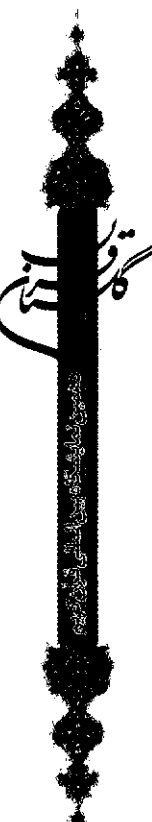
خاص قرآن است. بلاغت رساندن معنی به قلب شنونده است در بهترین لفظ و با شیواترین بیان، عالی‌ترین نوع آن در قرآن می‌باشد. (۹)

باقلانی در «اعجاز قرآن» می‌نویسد: انه بديع النظم، عجيب التأليف، متناه في البلاغة الى الحد الذي يعلم عجز الخلق عنه (۱۰). صادق رافعی در اعجاز قرآن و بلاغت محمد می‌نویسد:

فصیح‌ترین و جامع‌ترین کلام آن

است که دارای الفاظی روان و معانی نادر و نیکو بوده به طوری که راه معارضه با وی را ببندد و امید مقابله با او را قطع کند و باعث شگفتی و خوش آیند شوند. آن گردد و چنان در روح شنونده داخل گردد که گویی خود به آن تکلم می‌کند و از قلب وی تراوش می‌نماید و نمونه از آثار روحی او می‌باشد. (۱۱)

این نویسنده پس از ذکر تعریف فوق در معنای سخن فصیح و بیان



استاد مطهری در کتاب نبوت به یک بررسی تطبیقی میان نهج البلاغه و قرآن پرداخته و می‌گوید: امیرالمؤمنین (ع) برغم اینکه از ابتدا همراه قرآن و در جای نزول قرآن بوده و با آن مؤانستی تام پیدا کرده و به علاوه خطبه ۲۲۴ را به نحو فوق‌العاده زیبا بیان نموده اما در این خطبه زمانی که از آیه قرآن بهره می‌برد تفاوت تأثیر و ساختار دو سخن آشکار می‌شود.

حضرت خطبه را اینگونه آغاز می‌کند: «دارالبلاء محفوفه، و بالقدر معروفه، لاتدوم احوالها، و لا تسلم نزالها... العیش فیها مذموم، و الامان منها مهدوم، و انما اهلها فیها اغراض مستهدهه، ترمیمهم بسهامها، و تفنیهم بحمامها».

خود استاد مطهری تأکید می‌کند که خطبه، خطبه عالی و کلام بسیار زیبا است. به قدری کلام حضرت اوج می‌گیرد که از جنبه فصاحت و بلاغت، که اصلاً روح انسان را جذب می‌کند. در انتها حضرت می‌فرماید: هنالك تبلوا كل نفس ما اسلفت و ردوالی الله مولیهم الحق و ضل عنهم ما كانوا یفترون.

استاد شهید می‌افزاید تفاوت خطبه بسیار زیبایی حضرت با آیه قرآن تفاوتی از زمین تا آسمان است (۲۱) برغم عظمت خطبه ۲۲۴ امام (ع)، امام زیبایی و ساختارهای قرآن غیرقابل مقایسه با جملات و مفاهیم خطبه است و هر ژرف اندیشی به وضوح عظمت آیه را در می‌یابد.

۳- آهنگ پذیری قرآن

از دیرباز موضوع آهنگ قرائت تلاوت غنایی قرآن مورد توجه و بررسی اندیشمندان مختلف بوده است. برخی معتقدند تمامی متون الهی همچون فراسیر داود و فرمان‌های دهگانه موسی و حتی آیات انجیل ابتدا به صورت آهنگین قرائت می‌شد. آواز و موسیقی در کلیسا به هنگام مناجات و نیایش متن انجیل شایسته تأمل و جستجو است. برخی از این اندیشمندان و متکلمان تأکید می‌ورزند قرآن تنها اثری الهی و سخنی وحیانی است که می‌توان آن را به آهنگ قرائت کرد. آیات مختلف قرآن بر این باور، آهنگ‌های مختلف می‌پذیرد آهنگ‌های مختلفی که متناسب با معانی آیات است. از این رو آیات عذاب و خوف آهنگی را می‌پذیرد که دل را به خوف وامی‌دارد و آیات وعد و تشویق، آهنگی می‌پذیرد که آرامش و طمأنینه دل را بیخشد.

موضوع شگفت آن که استعداد موسیقایی عمدتاً در کلام شعری، خیالی و وهمی است محورهای موضوعی قرآن نه تنها از این حوزه بیرون است بلکه محتوایی عمیق، فلسفی، تالهی و حتی بیانی از واقعیت و طبیعت است. آیات استوار بر دانش تجربی، حقوقی، مناسبات اجتماعی و عذاب و ثواب آخرت و مباحث خدانشناسی و اسماء و صفات بسی افزون‌تر از آیات توصیفی صرف است. لذا آهنگ پذیری آیات راسی کاملاً متفاوت از

یخشون ربهم فهم تلین جلودهم و قلوبهم الی ذکر الله ذلک هدی الله یهدی به من یشاء. (۱۵) و (۱۶)

باقلائی در کتابش اعجاز القرآن، اعجاز قرآن را در بلاغت ذاتی قرآن عنوان کرده و این اعجاز را مرهون به کارگیری صرف فنون بلاغت از تشبیه و استعاره و جناس و مطابقه نداشته و می‌افزاید در قرآن علاوه بر وجود فنون بلاغی و موضوعات بیانی که فراوان دارد، موضوع تأثیر قرآن بر نفوس و اذهان است که به آن جنبه اعجاز داده است. (۱۷) مرحوم اقبال نقل می‌کند سخنی پدرم به من گفت که در سرنوشت من فوق‌العاده اثر بخشید او می‌گوید روزی در اتاق خود نشسته و مشغول خواندن قرآن بودم، پدرم آمد از جلوی اتاق من بگذرد، رو به من کرد و گفت:

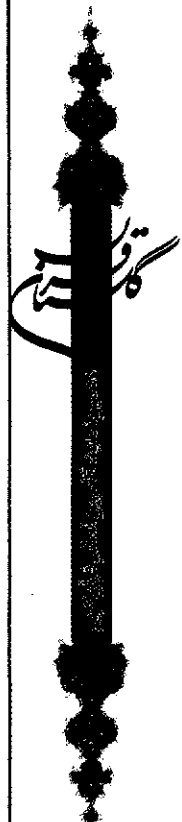
محمد، قرآن را آنچنان بخوان که گویی که بر خودت نازل شده است.

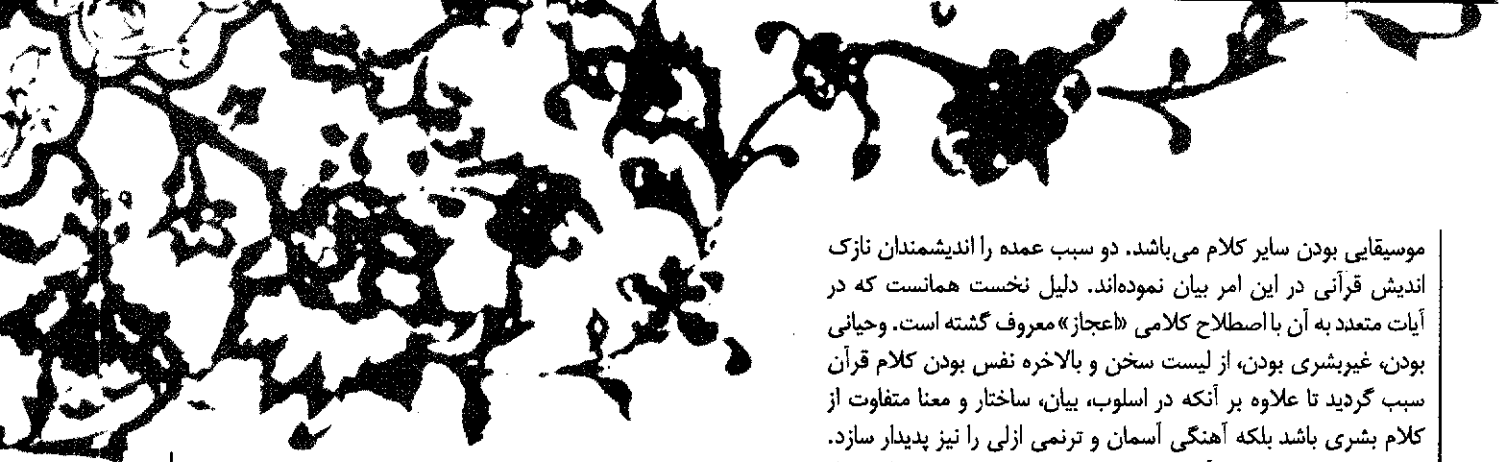
از آن وقت، هر وقت به آیات قرآن مراجعه می‌کنم و آنها را مطالعه می‌کنم چنین فرض می‌کنم که این خدای من است که با من که محمد اقبال هستم، دارد حرف می‌زند. (۱۸)

شهید مطهری در «فلسفه اخلاق» در زمینه میزان راز تأثیر گذاری فوق‌العاده قرآن بر جان و دل انسان‌ها می‌نویسد که قرآن نفوذ خارق‌العاده خودش را از چه دارد؟ از زیبایی و فصاحتش.

قرآن توانست آن معنایی را که با اعماق روح انسان سروکار دارد به تعبیر خود قرآن «مذکر» است یعنی آن را از درون انسان بیرون می‌کشد، با عبارتی ساده بیان بکند اما چون این کتاب معجزه باقی پیغمبر (ص) است، حقایقش را با زیبایی خارق‌العاده بیان کرده است. (۱۹)

حقیقت آن است که خداوند در تعبیر گوناگونی در قرآن کلمات آیات را تأثیرگذار دانسته و در سوره اسراء (۲۰) تأکید می‌ورزد انسان‌ها وقتی آیات قرآن را می‌شنوند در حال گریه می‌افتند و سجده می‌کنند. این خشوع و کرنش در برابر آیات، به سبب آن است که معانی عمیق قرآن در لباس و واژگان بسیار زیبا که حسن جمال دوستی معنوی انسان را برمی‌انگیزاند و مسخر خود می‌گرداند، جای گرفته‌اند. قرآن بی‌تردید از نظر بیان و فصاحت، روانی و جاذبه و قدرت تأثیر، به گونه‌ای شکل گرفته که ژرف‌ترین تأثیر را بر نهاد انسان می‌گذارد.





موسیقایی بودن سایر کلام می باشد. دو سبب عمده را اندیشمندان نازک اندیش قرآنی در این امر بیان نموده اند. دلیل نخست همانست که در آیات متعدد به آن با اصطلاح کلامی «اعجاز» معروف گشته است. وحیانی بودن، غیربشری بودن، از لیست سخن و بالاخره نفس بودن کلام قرآن سبب گردید تا علاوه بر آنکه در اسلوب، بیان، ساختار و معنا متفاوت از کلام بشری باشد بلکه آهنگی آسمان و ترنمی ازلی را نیز پدیدار سازد. زیبایی و جمال مطلق از آن حضرت خداوند است. تکلم عین ذات و از اسماء الهی است در قرآن می خوانیم «ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها» ۲۲ یا «الله لاله الا هو له الاسماء الحسنی» (۲۳) و بالاخره «هو الله الخالق الباری الحصور له الاسماء الحسنی» (۲۴).

نام های زیبای الهی که در اندیشه فیلسوفان هفت صفت ذاتی است و در آیات الهی اسماء ییشماری برای خداوند به سبب معالیل بی پایان وجود دارد، موجب زیبایی بخش آفریدگان می گردد. سخن خداوند زیبا و حسن است. آهنگ پذیری وجهی از زیبایی سخن را نمایانگر است. از این رو سخن قرآن منشأ در صدور این آیات از جانب مبدأ فیض می باشد. اهمیت این دلیل زمانی آشکار می شود که آیا تحدی بر بی نظیر بودن ساختار و معنای الفاظ آیا از جنبه آسمانی بودن آن تأکید می ورزند:

«قل لئن اجتمعت الانس و الجن علی ان یاتو بمثل هذا القرآن لایاتون بمثله ولو ان بعضهم لبعض ظهیراً» (۲۵)
یا در آیه ۲۳ سوره بقره می خوانیم:

«وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسوره من مثله و ادعوا شهداء کم من دون الله ان کنتم صادقین».

همچنین در آیه ۱۳ سوره هود، تأکید آیه بر تحدی و آوردن فعل قرآن یا ده سوره از قرآن و حتی یک کلام از قرآن مشروط بر اینکه «من دون الله» باشد. این قید آشکارا نشان از مناسبت وحیانی بودن آیات و ساختار شگفت آن دارد.

دلیل دوم در انسجام درونی و ذاتی سخن خداوند دارد. در این دلیل، قرآن پژوهان بر این باورند که ویژگی فصاحت و بلاغت در درجه نخست از انسجام الفاظ و معانی درونی آیات استخراج گردید این تناسب بی تردید از ساختار آهنگین و موسیقایی کلمات به دست آمد. تاریخ تلاوت قرآن نشان می دهد که مسلمین همواره قرآن را با آهنگ های مخصوص تلاوت کرده که ویژه قرآن است. علاوه بر روایات و سنت مسلمانان که بر تلاوت بیش از قرائت تأکید می ورزیدند، آیه ۴ از سوره مزمل نیز راهبرد اساسی تلقی می شود: «هو رتل القرآن ترتیلاً».

خداوند به مسلمانان دستور می دهد قرآن را نه تند بخوانند که چسبیده به یکدیگر باشد و نه آنقدر فاصله باشد که شکاف بین دو کلمه اتفاق افتد. ترتیل علاوه بر صفت تلاوت طمأنینه ای توأم با تدبیر و اندیشه در معنای آیات بوده و از ویژگی القاء نیز برخوردار است همچنین در خواندن به شیوه ترتیل، آهنگین بودن تلاوت حفظ شده و ساختی موسیقایی به خود می گیرد. برخی ویژگی دیگری را نیز افزودند و آن اینکه در این نوع از تلاوت، انسان احساس می کند که گوینده سخن خداوند است و مخاطب آیات به خود فرد به نحوی که او مستقیماً این سخن را از خدا می شنود. و در حدیثی نقل شده است که قرآن را باید غنائی و آهنگین

تلاوت کرد: «تغنوا بالقرآن» (۲۶)

خواندن قرآن به صورت زیبا و حسن از جمله سیره موثق و معتبر مسلمانان است. بی تردید تلاوت آهنگین سرچشمه در کلام آهنگین و زیبا دارد. این کلام خارق العاده می تواند احساسات عالی، لطیف و روحانی انسان را با این شیوه از تلاوت برانگیزد و علاوه بر این عقل آدمی را قوی، روشن و ضمیر انسان را صفا بخشد، اشک از دیدگان و جان آدمی جاری سازد و پیوند انسان با ملکوت رامودی گردیده و حضرت سبحان را در اندیشه فرد روان سازد. از این رو است که فضائل و کرامات بسیاری را پیامبر اکرم و ائمه معصومین در تلاوت قرآن بیان فرموده اند. (۲۷)

یادداشت ها:

۱. سوره بقره / ۲۳ و سوره هود آیه ۱۳
۲. سوره نجم / ۵-۳
۳. سوره زمر / ۲۳
۴. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ج ۱، ص ۲۱۶
۵. مرتضی مطهری، نبوت، انتشارات صدرا، ۱۳۷۴، ص ۳۱-۲۳
۶. همان، ص ۲۲۱، آیات ۲۵-۱۸ سوره مدثر
۷. سوره اسراء، آیه ۱۰۶
۸. صدرالمآلهین محمدبن ابراهیم، الشواهد الربوبیه، ترجمه و شرح دکتر جواد مصلح، سروش ۱۳۶۶، چاپ اول، ص ۹۵
۹. محمدعلوم مقدم، جلوه های جمال، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۰
۱۰. اعجاز القرآن، للباقلانی، دارالمعارف بمصر، ۱۹۶۲، چاپ سوم، ص ۲۵
۱۱. مصطفی صادق رافعی، اعجاز قرآن و بلاغت محمد، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، چاپ دوم، ۱۳۶۱، ص ۱۶۴
۱۲. همان، صص ۵-۱۶۴
۱۳. مرتضی مطهری، وحی و نبوت، انتشارات صدرا، ص ۸۱
۱۴. مائده / ۸۳
۱۵. زمر / ۲۳
۱۶. حماسه حسینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۶
۱۷. اعجازالقرآن، پیشین، ص ۳۵
۱۸. حماسه حسینی، پیشین، ج ۱، ص ۲۲۲
۱۹. مرتضی مطهری، فلسفه اخلاق، انتشارات صدرا، ص ۱۰۱
۲۰. اسراء، ۱۰۹-۱۰۷
۲۱. مرتضی مطهری، نبوت، پیشین، ص ۲۱۱
۲۲. اعراف، ۱۸۰
۲۳. طه، ۸
۲۴. حشر، ۲۴
۲۵. اسراء ۸۸
۲۶. بحارالانوار، جلد ۹۲، ص ۱۹۱ / جامع الاخبار، فصل ۲۳، ص ۵۷
۲۷. ر. ک: مقدمه تفسیر صافی مرحوم فیض که اخبار بسیاری در این باب نقل می کنند

